

جنبش حفظ محیط زیست و رویکرد ایرانی آن

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

متخلفین و میزان بالای کاهش تولید گازهای سمی! چراکه وی اضافه نمود، برای امضاء موارد بالا و عملی شدن آنها، وی باید موافقت سنای آمریکا را بگیرد که آنها اکیداً چنین کاری را نخواهند نمود! این به معنی کشیدن دندان شیر و بی اثر نمودن موافقت نامه مذکور بود. امسال هم داند ترامپ با اعلام ترک کنفرانس پاریس و تعهدات مسئولانه چنین گردهمائی ها، ضربه محکمی بر تصورات اصلاح طلبان در کادر روابط سرمایه داران وارد آورد و خود را از یک شخصیت غیر محبوب عموم به آدمی مطرود تبدیل نمود.

میزان آلودگی آب و خاک و هوا در جهان پیشرفته شمال چون اروپا و آمریکای شمالی در سالهای نخستین دو هزاره میلادی به حدود خطرناکی رسیده بود. میزان آلاینده های معلق در هوا و گرمایش فزاینده زمین اجلاس Kyoto و تصویب پروتکل آن را تسریع نمود. علیرغم خوش بینی عمومی اما که، دولت دموکرات پرزیدنت کلینتن و معاونش ALGORE از کاهش تولید سمومات گلخانه ای تن زدند و فقط بار مسئولیت ها را برای سایرین سرشکن نمودند. میزان تولید گازهای سمی و گلخانه ای برای ۵ درصد کاهش نیافت و جهان تولیدی تا سال ۲۰۱۲ شاهد افزایش ۵۸ درصد کاهش درصدی آن بود. که نتایج عملی اجلاس پاریس هم کارنامه بهتری از کیوتو ندارد. در اینکه سرمایه داری امپریالیستی تئاترکشتار جمعی ناشی از تولید فضولات صنعتی را هدایت می کند بحثی نیست و انتظار معجزه از همین بزهکاران بین المللی و دولتهای تابعه آنها احتمالاً ساده انگاری همدستانه است. در حالیکه اقلا و در دهسال آینده با الکتریکی شدن خودروها بطور فاحشی از نیاز به سوخت فسیلی کاسته میشود هم با خبریم و با کمال تأسف هم اکنون تنها حدود ۸۰۰ هزار نفر (فقط) در حوزه تولید انرژی سبز به کار مشغولند! اگر وسعت اندک کشورهای اروپای غربی ضرورت تولید انرژی سبز را افزایش داده و چین و هندوستان، روسیه و آمریکا هنوز به تولید انبوه و فضولات مشغولند.

آلودگی محیط زیست و آلودن روز افزون آب و خاک و هوا موضوع تشکیل و تلاش سازمان های روشن گر و مبارز و اجتماعی بوده است. آلودگی هوا در نتیجه تولید و افزایش گازهای سمی و گلخانه ای، تولید یک دور تسلسل ویران گر نموده که از عوارض آن گرمایش زمین و تغییرات هلاک کننده جوی و آب و هوای زمین است. برخی خوش دارند که در محدوده سیاست های مهارکننده آلودگی فعالیت کنند در حالیکه دیگرانی هستند که دنبال افشاء و توضیح و سپس تغییر عامل این همه ویرانی و آلودگی هستند. که عامل اصلی آلودگی ها همان تولیدات جهانی است که نتیجه مناسباتی اقتصادی - اجتماعی است بنام سرمایه داری. در این چهارچوب تولید و انباشت سود و سرمایه حرف نخست را میزند و نمایندگان سیاسی این امپراطوری سرمایه جهان گیر تنها می خواهند تا وضع موجود را تنها با تبلیغات ساختگی و اصلاحات دروغش در سیستم تولید گازهای گلخانه ای، ادامه دهند. شکست قابل پیش بینی نشست پاریس و اکنون خارج شدن آمریکا بدستور رئیس جمهور ترامپ از مصادیق آن است. در یک کلام قرار بود تولید گازهای سمی دودکش کارخانه ها و خودروها و ... به میزان پنج درصد کاهش یابد و چنین نشد (موافقت نامه کیوتو) و از سال ۱۹۹۰ به میزان ۵۸ درصد به حجم گازهای سمی اضافه شده است!

اوضاع آلودگی زمین و هوای آن به قدری نگران کننده است که بخشی از سامانه سرمایه داری و سرمایه داران هم آستین ها را بالا زده و خواستار اقدامات فوری جهت کاهش تولید گازهای سمی هستند. برای مثال، سهام داران شرکتهای نفتی Exxon Mobil تصویب نمودند که آن امپراطوری تولید و پخش فرآورده های نفتی و گازی سالانه طی گزارشی دقیق میزان تولید آلودگی ها را در اختیار سهام داران گذارد و از تلاش های انجام شده جهت کاهش سمومات تولیدی بنویسد! این در حالی بود که برای مثال باراک اوباما در کنفرانس بین المللی پاریس گفت که با موافقت نامه مذکور موافق است ولی باید دو موضوع از متن حذف شود. دو مورد عبارت بودند از تنبیه مالی

در حالیکه کشورهای صنعتی و بویژه آمریکا و کانادا سخت مواظب شرائط محیط زیستی خود و ادارات مهمی در اندازه گیری آلاینده ها در آب و خاک و هوا مشغولند و افزایش بیماران دستگاه تنفسی روبه رشد صعودی دارد و این مسئله را در کنار حضور مواد خطرناک نگهدارنده مواد غذایی یا Preservative ها بگذارید آنوقت تصویر مسومیت عمومی نمایان تر میشود. وجود میزان بالای نمک و چربی و شکر در موارد غذایی پیش ساخته چنان بالا است که علیرغم بازرسی مداوم این محصولات لیکن اکثراً تا ۵ درصد حد معمول نمک و شکر و چربی دفع نشدنی دارند! چاقی مفرط مردمان و میزان بالای سکنه های قلبی و ... سایر بیماری های وابسته زنگ خطری است که باید ذهن عموم زحمتکشان را بکار اندازد. در حالیکه یک درصد از صاحبین سرمایه های نجومی در جزایر دور افتاده و خانه های ساحلی و مناطق حفاظت شده زندگی می کنند اما که، عموم مردم در معرض کشتار جمعی اعلام نشده هستند. در این صورت است که مسئله محیط زیست و ویرانی آب و خاک و هوا دنیا امری سیاسی میشود و لذا هرگز نمی توان رویکردی غیر مبارزاتی و غیر صدور صد سیاسی - اجتماعی به آن داشت. کمی هم باید از رابطه تولیدگازهای صنعتی نوشت و رابطه آن را با انواع بیماری ها گفت ولی نیکوتر از آنکه کارزاری سیاسی و پرتلاش در این زمینه از حد موسسات لیبرال فراتر رفته و جنبش حفظ محیط زیست را با همتای آن چون جنبش کارگری، زنان، دانشجویی و ... گره زد.

اوضاع محیط زیست در جهان پیرامونی لیکن اسف بارتر است. جنگل زدائی و آب دزدی در خود میهن ما تولید وضعیت خطرناکی نموده است. خشک شدن شبکه آبهای زیرزمینی و آلودگی زمین و رودها و حضور گرد و خاک و طوفان ریزگردها بر اثر خشک نمودن تالاب های جنوب از آن جمله است. این همه اما که تولید نسلی از مردمان را می کند که با مشکلات عدیده ای چون نازائی زنان و مردان با ناتوانی های باروری و معضلات جانبی روبرو میشوند. نسلی بیمار و رنجور، بیکار و ستمدیده رژیم تروریستی لیکن زحمتکشان چاره خود را قبل از رسیدن به خط پایان ویرانی فیزیکی کشور، در تشکیلات و سازماندهی جنبشی عمومی برای تغییر ساختاری سیمای سیاسی ایران می بیند. حضور روزافزون اعتراضات و حرکات مبارزه جوانان، کارگران و ... خبر از این ضرورت و درک حساسیت سرنوشت مملکت میدهد. اگر اوضاع محیط زیست همواره زیر نظر موسسات مسئول است و در جنوب گرمای زده و بی آب و خشک این مشکل به فاجعه تبدیل شده است. هاله ای از دود و کثافت دور فضای شهرها را گرفته. کسی به فکر سلامتی عموم نیست چراکه اساساً مسئله حکومتیان فاسد و ضد بشر نیست. آنها به فکر اسلام خود هستند نه ایران ما و اگر چنین است، پاسخ گویی به مسئله محیط زیست نمیتواند از نوع رویکردهای مردم اروپا و آمریکا به مسئله باشد و بی شک باید جنبشی همراه سایر جنبش های اجتماعی برای سرنوشت رژیم ارزیابی شود.
